

نقدی بر گفت‌وگو با مجید مهران

همان‌گونه که خوانندگان محترم آگاهی دارند در شماره نهم فصلنامه، گفت‌وگویی با آقای مجید مهران با عنوان «نقدی بر سازمان دیپلماسی ایران...» به چاپ رسید. انتشار گفت‌وگویی یاد شده اظهارنظرهای مختلفی را در پی داشت، از آن جمله یادداشت زیر است که چندی قبل به دستمان رسید.

گرچه برخلاف نظر نگارنده محترم، یادداشت ایشان چندان شباهتی با نقد ندارد اما به منظور رعایت امانت عیناً آورده می‌شود. خوشحال می‌شویم چنانچه خوانندگان محترم درخصوص مطالب و مقالات فصلنامه نقد و نظری دارند به صورت مستدل و دقیق و با پرهیز از کلی‌گویی به نقد محتوای مطالب با ذکر موارد و مصادیق بپردازند.

یکی از ویژگیهای سالهای بعد از انقلاب، که به نظر من جای تأمل و تشکر دارد، پرداخت به خاطره نویسی است. که در گذشته کمتر به این مهم به صورت فعلی پرداخته می‌شد. تأمل از آن جهت که در گذشته هم ما خاطره نویس‌هایی داشتیم که مطالبی را به مناسبت‌های مختلف یا بصورت سخنرانی و یا مقاله منتشر می‌کردند که در دسترس علاقمندان قرار می‌گرفت. علت هم ارزانی روزنامه، مجله و کتاب بود در صورتیکه درایام اخیر توفیق این دسترسی برای همه‌ی علاقمندان امکان پذیر نیست.

به چند علت: افزایش جمعیت اهل مطالعه، تیراژ اندک مجله و کتاب و از همه مهمتر قیمتهای سرسام‌آور این قبیل نشریات:

«برای مثال کتاب دهم تاریخ معاصر ایران با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه با قیمت ۸۰۰۰ ریال. در دور جدید از میزان تیراژ ذکری در فصلنامه‌ها نشده است (که قطعاً بایستی در همان تیراژ قبلی باشد) با قیمت ۸۵۰ تومان» حال با توجه به این نکته که در کشور ما امروز بیش از صدها هزار نفر فارغ‌التحصیل و دانشجو، تنها در رشته تاریخ و علوم سیاسی داریم، آیا بواقع موضوع قابل تأمل و بررسی نیست؟!»

و اما تشکر خصوصاً از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، که با همت والای مسئولان

تعدادی از صفحات فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران را در اختیار صاحبان مقامات در رژیم گذشته می‌گذارد و این حضرات هم به اقتضای مشاغل خود مطالبی را بازگو می‌کنند، گرچه به نظر می‌رسد در پاره‌ای از این مصاحبه‌ها کمتر به مسائل اساسی پرداخته می‌شود. تا آنجا که گاه مطالب کاملاً از یک نوع خود محوری سرچشمه می‌گیرد در صورتیکه بنظر می‌رسد مصاحبه کننده بایستی با طرح سؤالات مشخص کوشش خود را معطوف به گره‌گشایی نقاط تاریک و ناگفته تاریخ بنماید. تا آنجا که اگر مصاحبه شونده هم قادر به پاسخگویی واقعیتها (به هر علت) نباشد حداقل سؤال مطرح شده باشد. تا افراد دیگری در آینده پاسخگویی آن نکات بشوند و ناگفته شود و تاریکی‌ها روشن گردد.

به نظر من یکی از بهترین مصاحبه‌های انجام شده در فصلنامه نقدی است که به سازمان دیپلماسی ایران عصر پهلوی از زبان آقای مجید مهران در شماره نهم بهار سال ۱۳۷۸ صورت گرفته است.

گرچه می‌دانم هرگاه قرار مصاحبه کننده واقعیاتی را بر زبان جاری کند مورد ایراد و گاه خشم هم قرار خواهد گرفت. با این وصف بایستی گفتنی‌ها بیان شود و هرگفتاری هم نقادی گردد تا در نتیجه خدمت خالصانه تشخیص داده شود.

چون هدف فصلنامه تخصصی تاریخ باید آگاه کردن نسل جوان کشور از واقعیت‌های تاریخ گذشته کشور باشد. زیرا این گذشته است که ما بر روی آن بنای آینده کشور را پی‌ریزی می‌کنیم نه این که مجال در اختیار افراد قرار داده شود تا از خود سخن گفته و گاه کتمان حقیقت کنند؟!

مجید مهران در این گفتگو بواقع دیده‌ها و شنیده‌های مستند خود را بر زبان جاری کرده و بدون جب و بغض اعمال و رفتار و کردار مقاماتی را که با او در مسیر کار در وزارت خارجه بوده‌اند معرفی کرده است.

صاف چون آئینه می‌باید شدن از خوب و بد هیچ چیز از هیچکس در دل نمی‌باید گرفت در این گفت و گو خواننده پس از آشنایی با مجید مهران به سازمان دیپلماسی ایران از سال ۱۳۲۹ وارد می‌شود و تا پایان سال ۱۳۵۷ از کم و کیف حقایقی آگاهی پیدا می‌کند، که در جای دیگری نه آن را خواننده و نه شنیده است.

نکته جالب توجه این که در این سیر و سیاحت خواننده با چهره واقعی کسانی آشنا می‌شود که در گذشته شمایل دیگری از آنها در ذهن خود داشته است.

با این حال و احوال در این گفتگو گاه اشاره به نقل قول از دیگران شده که به نظر می‌رسد مصاحبه شونده به این ترتیب از خود رفع تکلیف کرده و این نقص مصاحبه است.

ضعف دیگر در این گفت و گو مطالبی است که ارتباطی به مشاغل ایشان در وزارت خارجه نداشته که موجب طولیل شدن مصاحبه گردیده است.

به نظر می‌رسد این اشکال هم بیشتر متوجه سؤال کننده است که بایستی برای رعایت حق خواننده توجه لازم را به این موارد داشته باشد.

و در پایان مسأله‌ای که به نظر قابل بررسی است این که آیا قبلاً نباید با توجه به مشاغل افراد و در ارتباط با حوادث مهم تاریخ سؤالاتی مطرح شود که پاسخ آنها هنوز در پرده ابهام است.

در این مورد پیشنهاد من این است که افراد صاحب صلاحیتی بایستی با توجه به زمان و مکان از هر مصاحبه شونده مطالبی را سؤال کنند که پاسخ به آنها به روشن کردن تاریخ کمک خواهد کرد.

تاریخ تحمل نکنی گنج نبینی تا شب نرود، صبح پدیدار نگرود

احمد سمعی (۱- شنوا)

توضیح و اصلاح یک نکته

در پی چاپ گفت‌وگو با آقای احمد نفیسی، شهردار اسبق تهران در شماره هشتم فصلنامه که در قسمتی از آن به عقیده شیخیه و پیروان حاج محمدکریمخان در مورد کیفیت معاد اشاره شده بود، چندی بعد ایشان با ارسال یادداشتی به تصحیح مطلب خود پرداخته که در قسمتی از آن چنین آورده‌اند:

... عقیده شیخیه که پیروان مرحوم حاج محمدکریمخان هم از آن جمله می‌باشند در مورد معاد این است که جسمانی و روحانی است و این مطلب را در کتابهای عقیدتی و مواعظ و جوابهای سائلین که در این مورد پرسش کرده‌اند به تفصیل بیان کرده‌اند.

شیخ احمد احسائی در کتاب حیوة النفس که در اصول دین نوشته در باب پنجم می‌گوید «در اصل پنجم و آن معاد است و در آن چند فصل است. فصل اول: واجب است که مکلف معتقد به وجوب معاد باشد یعنی بازگشت ارواح به اجساد خود در روز قیامت» و بعد از تفصیلی برپایه احادیث می‌گوید: «پس ارواح به پرواز درمی‌آیند و داخل می‌شود هر روحی در جسد خود در قبرش ...» و این همان معاد است.